

قانون بخش خصوصی و مصلحت‌سنجی‌های پدرانۀ دولتی (آیا مقررات و قوانین وضع شده در بخش خصوصی بیش از حد است؟)*

ترجمه: پیمان میرهادی^۱، محمود شهیدی^۲

چکیده

مقاله حاضر به تحلیل اثر معکوس روش‌های مدیریت پدرانۀ حکومت، به‌خصوص قوانین و مقررات حاکم بر بخش خصوصی می‌پردازد. غالباً دولت با صدور قوانین و مقررات و تصمیم‌گیری در زمینه‌هایی مانند قراردادهای بخش خصوصی که قانون بخش خصوصی و آزادی انتخاب در آن پیروز شده است، مواضع معینی اتخاذ کرده است. به دلیل موضع حمایتی دولت تنظیم قوانین در بخش خصوصی افزایش یافته است. قوه قضائیه به مشکلاتی که روزانه در فضای بخش خصوصی وجود می‌آید رسیدگی می‌کند چون آن را تنها عامل اجتماعی می‌داند که می‌تواند تصمیماتش را به اجرا بگذارد. به این ترتیب، این مقاله درصدد آن است که به تحلیل تبعات ممکن این وضعیت نوع‌دوستانه بپردازد. جالب است بدانید که چنین وضعیتی همزمان مستبدانه هم هست، چون افراد را از ازل آسیب‌پذیر می‌داند و اصول قانون بخش خصوصی را به حداقل می‌رساند. این طرز فکر در نهایت می‌تواند یک سیستم دموکراتیک را به سیستمی تمامیت‌خواه تبدیل کند.

واژگان کلیدی: پاترنالیسم دولتی، حقوق خصوصی، آزادی اراده، وضعیت نوع دوستانه، تمامیت‌خواهی

* Carlos A. Rohrmann and Cristiane Rego (2014). Private Law and State Paternalism: Too Much Legal Regulation of Private Life?, Journal of International Commercial Law and Technology Vol.9, No.4.

awhansyanpyman@gmail.com

^۱ کارشناسی‌ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نراق

^۲ استادیار، دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نراق

مقدمه

این مقاله قصد دارد پدیده پاترنالیسم را از جنبه‌های مختلف بررسی کند، امروزه این کار در سیستم‌های قانونی مختلف اهمیت یافته است. در کل، می‌توان وضعیت مصلحت‌سنجی‌های پدران دولتی^۱ را نوعی پدیده دانست که در آن دولت نقش محافظ و مهیا کننده اعضایش را دارد. در روابط گوناگون، این اعضا شکننده تلقی می‌شوند و به نوعی برای مدیریت زمینه‌های معین زندگی خصوصی‌شان^۲ مناسب نیستند. گفته شده پاترنالیسم دولتی دخالت حکومت یا یک فرد در امور فرد دیگر، برخلاف میل اوست و در دفاع و تشویق این دخالت ادعا می‌شود که شخص مورد مداخله به این ترتیب از گزند در امان می‌ماند و شرایط بهتری پیدا می‌کند.

ظهور قدرت دولت را باید با احتیاط تجزیه و تحلیل کرد چون همان افرادی که از ازل آسیب‌پذیر تصور می‌شدند و شایسته حمایت دولت بودند، حالا باید از استقلال رأی چشم‌پوشند. این جریان در نهایت می‌تواند یک سیستم دموکراتیک را به سیستمی تمامیت‌خواه تبدیل کند. یکی از تبعات نظام پاترنال، قانونمند کردن حریم خصوصی افراد است. با پذیرش این حمایت، که در ظاهر خرجی هم برای کسی ندارد، مردم، بویژه در بخش قضایی، به دولت متکی می‌شوند تا بتوانند درگیری‌هایی را حل و فصل کنند که می‌توان درباره آنها در یک محیط خصوصی تصمیم گرفت.

۴۴

در این میان اما مفهوم پیچیده عدالت توزیعی با متأثر ساختن بخش وسیعی از حقوق اقتصادی - اجتماعی، مقوله‌ای است که به دخالت دولت رفاه در حیطه‌های باز توزیع ثروت به نفع طبقات محروم مشروعیت می‌بخشد. همچنین تأکید این بحث در برخورداری برابر آحاد جامعه و توزیع عادلانه منافع و مضار در بین اعضای یک جامعه توسط حاکمیت در اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز مطرح گردیده، که امروزه دولت‌های مدرن با اعمال روش‌های سیستماتیک و یا به تعبیر ما مصلحت‌سنجی‌های پدران، سعی می‌کنند تا مقوله عدالت اجتماعی را به بهانه‌هایی نظیر حمایت، مراقبه، افزایش رفاه، تأمین منافع شهروندان و همچنین برقراری عدالت توزیعی به نفع نابرخوردارترها، ضعیف‌ترها و به تعبیر بهتر اعضای شکننده جامعه، به اجرا گذارند.^۳

^۱ State Paternalism

^۲ حقوق قراردادهایی همچون روابط کارگر و کارفرما، مصرف کننده کالای تجاری و مصرفی، بیع و اجاره و همچنین حقوق خانواده و مسئولیت مدنی در بحث بیمه و تأمین اجتماعی همگی مصادیق و زمینه‌های آن هستند.

^۳ جهت مطالعه بیشتر ر.ک: میرهادی، پیمان (۱۳۹۹)، «تأثیر مصلحت‌سنجی‌های پدران دولتی مدرن در محدودسازی حیطه حقوق خصوصی»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق.

مسئله پاترنالیسم دولتی باتوجه به سخت‌گیری‌های قانونی مانند قوانین ضد مواد مخدر، اجبار در بستن کمربند ایمنی اتومبیل یا استفاده از کلاه کاسکت موتورسواران و اخیراً استفاده از ماسک در بحران کرونا (البته در حقوق عمومی و کیفری) و البته در تحقیقات مترجم این مقاله که در کشور ایران صورت گرفته در حوزه قراردادهای خصوصی نظیر قراردادهای موقت کار، تنظیم‌گری حقوقی خانواده توسط دولت‌های مدرن، انعقاد قراردادهای عقد بیمه و مسئولیت مدنی، به اوج خود می‌رسد.^۱ باتوجه مطالعه در ایدئولوژی لیبرالیسم و ابتدای آنکه بر اصل خودمختاری انسان‌ها و احترام به فردیت شکل گرفته است و حمایت‌گرایی و مراقبه پدران از شهروندانشان را به مثابه کودکان و صغیرانی در نظر می‌گیرند که نمی‌توانند نیک و بد خویش را از یکدیگر باز شناخته و به تنهایی خیر و صلاح خویش را تشخیص دهند و اصول اقتصاد هم بعداً در اندیشه‌های لیبرال مزید بر علت گشته تا گستره این حمایت‌های پدران مردم را وا داشته تا راه انفعال را در پیش گیرند و به دولت‌هایشان چشم داشته باشند تا از ایشان همواره مراقبت نموده و راه سعادت و نیک‌بختی را به آنان بیاموزد و از نظر بسیاری اندیشمندان این ایده خوبی نیست که مردم وابسته باشند و در واقع نه تنها اصول مسلم حقوق خصوصی‌شان نظیر آزادی اراده را کم و بیش می‌تواند به حداقل برساند، شاید در عمل جلوی شکوفایی و پرورش خودخواسته مسائلی همچون تنظیم‌گری حقوق خانواده را از درون اشخاص بازگیرد و البته می‌تواند حتی تأثیرات معکوس هم داشته باشند. در بحث عدالت - دولت، و حاصل افکار فلاسفه در ۴۵ مقوله عدالت و دولت، می‌توان گفت که مصلحت‌سنجی‌های پدران می‌تواند ریشه در ذات عدالت اجتماعی (توزیعی، معاوضی، اصلاحی) داشته باشد. ضمن اینکه از احکام و تکالیف الهی که بسیار بر عدالت و حمایت از طرف ضعیف تأکید شده است.

ظهور قدرت دولت‌های مدرن را در بحث پاترنالیسم باید با احتیاط بیشتر تجزیه تحلیل کرد، چه اینکه در مفهوم‌شناسی و مسائل هنجاری مرتبط با آن، حتماً باید کم و کیف و افزایش یا کاهش تصمیمات و مراقبه‌های پدران را در تمام زمینه‌های حقوق خصوصی مخصوصاً حقوق قراردادها، لحاظ کرد (اشاره به پاترنالیسم ضعیف، قوی - پاترنالیسم خالص، ناخالص).^۲ سیر مطالعات تاریخچه‌ای این پدیده نشان می‌دهد این پدیده ولو اینکه در ذات برخی حکومت‌ها از جمله اقتدارگرا و محافظه‌کار در قالب حمایت‌هایی این چنینی می‌باشد اما نمی‌تواند مولود حکومت‌های ایشان باشد.^۳

^۱ ر.ک: همان

^۲ ر.ک: همان

^۳ ر.ک: همان

با ظهور دولت لیبرال، هم زیستی با بی‌تفاوتی مطلق (عدم دخالت در حوزه قراردادی) مشخص شد. این با تصویب قانون اساسی لیبرال و قانون مدنی فرانسه در سال ۱۸۰۴ آغاز شد که تقریباً بطور همزمان رخ داد. اپیدمی شکاف میان دولت و جامعه در اروپا و بعداً در آمریکا و بعدها در دیگر جاها گسترش یافت. دوگانگی بین حقوق عمومی و خصوصی بخشی از زمینه است که قانون اساسی، در واقع قانون اساسی دولت بود، درحالی‌که قانون مدنی قانون اساسی جامعه را منعکس می‌کرد.

برخی محققین در معرفی و تعریف و تعدیل خودمختاری شهروندان در برابر پاترنالیسم دولتی اینچنین موضع گرفته‌اند که اساساً خودمختاری با پاترنالیسم قانونی (یکی از مصادیق پاترنالیسم دولتی) در تضاد است که در فرایند قانونگذاری پارلمان و آراء محاکم دادگستری نیز در روند تصمیمات فردی دخالت کرده‌اند آن هم بر این اساس که اگر غیر از این تصمیم‌گیری شود با منافع خود فرد در تضاد است. مثلاً از دیرباز قانونگذار در بحث حقوق اشخاص و محجورین از دارایی صغیر و ناتوان جسمی در برابر تبعات اعمال‌شان دفاع می‌کرده است و این دفاع نمونه بارز پاترنالیسم دولتی - قانونی - قضایی است (gus Anthony, 2011: 2). یا مثلاً در بحث ممنوعیت تجارت انسان‌ها بعنوان یک کالا از برده‌داری گرفته تا تن‌فروشی و فروش اندام‌های انسان نظیر کلیه (آیا من مالک خویشتن‌ام، پرفسور مایکل سندل در کتاب عدالت - چه باید کرد؟ به این مسئله واکنش نشان داده است و به نظر ما در این خصوص مباحث خوبی داشته‌اند).

۴۶

در حقوق قراردادهای نیز دولت‌های مدرن می‌توانند پیش‌فرض‌هایی را ضمن هشدارهای جانبدارانه و یا علائم ریسک و آسیب‌پذیری به طرفین قراردادها القا کند مثلاً استانداردهای اجباری برای محتوای قراردادهای وضع کند (قراردادهای متحدالشکل بیع و اجاره در ایران که توسط اتحادیه‌های صنف املاک در اختیار ایشان قرار می‌دهد) و یا در ایران در تنظیم‌گری حقوقی خانواده^۱ آنجایی که دولت رأساً جایگزین پدر خانواده می‌شود، و برای اعضای شکننده تصمیم می‌گیرد (نمونه بارز آن دستکاری در کاهش و یا افزایش سن ازدواج در قوانین مدنی و خانواده ایران). در این میان آنچه بطور مشترک و اساسی این مثال‌ها را از هم متمایز می‌کند جایگزینی تصمیم‌گیری خودخواسته فرد از تصمیمی است که قانونگذار یا دادگاه برای فرد مناسب‌ترین تشخیص می‌دهد. و دیگر اینکه برخی محققین در این حوزه نیز معتقدند که تعریف دقیقی برای پاترنالیسم نمی‌توان ارائه کرد و در واقع تعاریف مورد استفاده می‌توانند به نظرات خود نویسنده در حوزه پژوهشی وی اشاره داشته باشد. مثل جائیکه در ایران برخی پژوهشگران در حوزه حقوق کیفری و جرم‌شناسی آن را پدرسالاری حقوقی در

^۱ جهت مطالعه بیشتر رک: مهدوی زاهد، مهدی (۱۳۹۶)، «واکاوی رویکرد دولت جمهوری اسلامی ایران در تنظیم‌گری حقوقی خانواده»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، س ۲۰، ش ۶.

نرساندن ضرر به اشخاص نامیده‌اند و جرم‌انگاری قیّم مآبانه توسط قانونگذار را در رفتارهایی همچون وام دادن پول در نرخ‌های مبتنی بر سود رباخواری، قماربازی و استعمال مواد مخدر را مصداق پاترنالیسم حقوقی معرفی کرده‌اند.^۱

یا اینکه چنین دخالتی در تعیین قدرت انتخاب شهروندان مورد شک و تردید نویسنده پدیده پاترنالیسم بنابر تعریف حکومت‌ها در نظر گرفته شده است. اما برخی هم بر این باورند که اختیار دخالت در قدرت قهری دولت‌ها نهفته است، در حالیکه برخی دیگر به دیدگاهی پیچیده‌تر باور دارند و اینگونه استدلال می‌کنند که احتمالاً پاترنالیسم در یک قرارداد فرضی با فرد ریشه دارد، در این قرارداد بطور خاص فرد جایز الخطا بودنش را به رسمیت می‌شناسد و تصمیم‌گیری را به دیگری واگذار می‌کند (Ogus Anthony, 2011: 1).^۲ بنابراین، این مقاله می‌خواهد تبعات ممکن چنین وضعیتی در دولت را بررسی کند که در ظاهر نوع دوستانه است اما آن را می‌توان تمامیت‌خواهانه هم به حساب آورد.

۱- درک مفهوم پاترنالیسم^۳

برای فهم کلمه پاترنالیسم لازم است ریشه آن را بشناسید. در زبان لاتین *pater* به معنی پدر است. پاترنالیسم بسیار به نظریه حمایت ارتباط دارد. در رابطه پدران باید دو قطب وجود داشته باشد، وقتی یکی از این قطب‌ها^{۴۷} در وضعیت برتری قرار می‌گیرد قطب دیگر شکننده‌تر است و به حمایت خاصی نیاز دارد. برای درک مفهوم پاترنالیسم لازم است تا متوجه شویم که حامی حمایت را در قالب جبران ناتوانی یا نقص اهدا می‌کند. در چنین وضعیتی همه بی‌چون و چرا می‌پذیرند که بهترین کار را برای ذینفع انجام می‌دهند.

گارسیا خصوصیات پاترنالیسم را از روی درس‌های روث زیمرلینگ تعریف می‌کند (Garcia, 2005):
چهار نکته از آموزه‌های زیمرلینگ وجود دارد که برای موضوع پاترنالیسم به نظر مهم هستند: (۱) قدرت را به سمتی جهت می‌دهند که عمداً چیزی کسب کنند؛ (۲) رفتار عامل دیگری است؛ (۳) امکان اعمال قدرت از

^۱ جهت مطالعه بیشتر ر.ک: خیرمند، الهه (۱۳۹۳)، «بررسی تعارض پدرسالاری کیفری با اصل آزادی اراده»، پایان‌نامه کارشناسی-ارشد حقوق عمومی، دانشگاه کاشان.

^۲ پروفیسور سندل در کتاب عدالت - چه باید کرد؟، پذیرش تابعیت ایالات متحده آمریکا را توسط اتباع بیگانه به مثابه همین می‌داند.

^۳ در ترجمه فارسی برخی متون حقوقی - سیاسی برای آن معادل پدرسالاری را برگزیده‌اند که ما در تحقیقات خودمان معادل (مصلحت‌سنجی‌های پدران) را مناسب‌تر تشخیص داده‌ایم.

طریق اعمال نفوذ وجود دارد؛ ۴) و اعمال قدرت، حتی وقتی آن را به هدف اعمال نفوذ بکار می‌برند، مسئولیت را متوجه کسانی می‌کند که آن را اعمال می‌کنند.^۱

بنابراین، یک رابطه پدرانه لزوماً به معنی یک رابطه سلسله‌مراتبی است، که در آن طرفی که توانا تر و آماده‌تر به نظر می‌رسد، از طرف ضعیف حمایت می‌کند درست مثل پدری که از فرزندش حمایت می‌کند و خانواده‌اش را محافظت می‌کند. به علاوه، به خواست فردی که هدف حمایت قرار می‌گیرد هیچ توجهی نمی‌شود چرا که از پیش چنین تصور شده است که فرد قادر به تصمیم‌گیری نیست، حتی اگر این کار تنها موضوع مورد علاقه او باشد.

جالب است بدانید که پدرانه رفتار کردن را می‌توان در هر نوع رابطه‌ای مشاهده کرد، چه رابطه در محل کار باشد، در خانواده باشد، در زندگی روزمره باشد، فقط لازم است در یک رابطه کسی وجود داشته باشد که حس کند توانایی حمایت از کسی دیگر را دارد و آن فرد را نیاز به این حمایت تصور کند. حتی این اتفاق می‌تواند به بهای خواست فرد مورد حمایت بیفتد. بنابراین، شاید بتوان نظریه پدرسالاری را به یک مدار تشبیه کرد. در این شرایط، دولت در مقام تضمین‌کننده و طرف دیگر در مقام فرد نیازمند به حمایت خاص قرار می‌گیرد، یعنی شهروند. هدف نهایی جلوگیری از وارد آمدن خسارات بعدی است.

براساس این پارامترها، پاترنالیسم را می‌توان به معنی اعمال محدودیت در استقلال فردی یک شهروند دانست که ضعیف‌ترین بخش ارتباط قانونی است، آن هم در مقابل کسی که در مقام تضمین‌کننده قرار می‌گیرد. در نهایت، پاترنالیسم از بروز خسارات برای یک فرد جلوگیری می‌کند یا به او سودی می‌رساند که خودش به تنهایی قادر نیست به آن دست یابد.

۴۸

۲- تاریخچه مختصر دخالت دولت در زندگی خصوصی افراد

اعمال مصلحت‌سنجی‌های پدرانه دولتی در تاریخ بشر بسیار اتفاق افتاده است. بسیاری از دولت‌ها به این منظور پدرانه رفتار می‌کنند که بسیاری از مردم را در کنار خود داشته باشند، در نتیجه بتوانند به حکومت خود مشروعیت ببخشند. تاریخ نشان می‌دهد که بسیاری از جوامع بنابر خواسته‌ها و نیازهایشان چرخه‌های گوناگونی را طی می‌کنند. در نتیجه دخالت دولت در روابط آشکارا خصوصی افراد گاهی کم و گاهی بیشتر می‌شود. خصوصیت اصلی دولت‌های لیبرال قرن نوزدهم میلادی دخالت حداقلی آنها در روابط میان افراد بود، که آن هم براساس دفاع تئوریک از آزادی فردی شکل می‌گرفت. این دخالت در زمینه‌های مختلف از

^۱ مطالب توسط مترجم اضافه گردیده است.

جمله اقتصادی، سیاسی، مذهبی و دارایی شخصی صورت می‌گیرد. حوزه ایدئولوژی لیبرال، آشتی دادن آزادی رسمی و امنیت با هم بود، چراکه در آن زمان این دو بنیاد اصلی قانون بخش خصوصی را تشکیل می‌دادند. عقیده استقلال بخش خصوصی دقیقاً بر این دو بنیاد نهاده شده بود _ فضایی مشروع که مجوز ظهور اراده را می‌دهد. این فضا اساساً با قراردادهایی در روابط میان افراد ظاهر می‌شود. فاریاس و روزنوالد خاطر نشان می‌کنند (Farias, 2012: 31). با پیدایش دولت لیبرال، مشخص شد که هیچ علاقه‌ای به این همزیستی وجود ندارد. جریان با پذیرش قانونمندی لیبرال و قوانین سال ۱۸۰۴ در فرانسه شروع شد که تقریباً همزمان با هم بودند. همه‌گیر شدن شکاف میان دولت و جامعه در تمام اروپا و بعد در برزیل گسترده شد. انشعاب میان بخش خصوصی از دولتی قسمتی از یک زمینه است که در آن قانون اساسی قانون بنیادین کشور محسوب می‌شد درحالی‌که قانون شهروندی قانون بنیادین جامعه به حساب می‌آید.

قانون شهروندی در بخشی از خود بنیادهایی محکم در حمایت از سرمایه داشت. دارایی و قراردادها ستون‌های سیستمی را تشکیل می‌دادند که وقف شناخت و محافظت از سرمایه‌ها شده بود. حقوق بنیادین با برقراری آزاد روابط خاص جامه عمل به خود می‌پوشید. این حقوق بنیادین شکاف میان بخش دولتی و خصوصی در برابر یک دولت غایب را نشان می‌داد _ دولت غایب یک بیننده غیرفعال در بازی بازار سرمایه است که در نهایت فقط خودش را نشان می‌دهد تا حافظ قوانین بازی باشد.^۱

۴۹

در این زمینه تاریخی دولت هیچ خاک حاصلخیزی برای رفتار پدران ندارد. هیچ توجیهی برای محدود کردن آزادی فردی وجود ندارد، حتی نمی‌توان علیه طرف دیگر یک ورق برای مقابله صادر کرد. بعلاوه، لیبرالیسم شامل یک نظریه اقتصادی است که یکی از اهداف اصلی آن ارتقاء بازار آزاد بود، و به این منظور قراردادها مهم به حساب می‌آمدند. در عوض مشارکت دولت در امور بخش خصوصی به حداقل می‌رسید. اما، به مرور زمان، لیبرالیسم در محافظت و اطمینان از آنچه به ایده‌آل‌اش تبدیل شده بود شکست خورد، چراکه این آزادی فقط نصیب طبقه برزوا می‌شد. همزمان، دفاع از حق آزادی، برابری و خوشبختی به شکل تشریفاتی انجام می‌شد.

به همین دلیل علیرغم غیرانسانی و وحشیانه بودن سرمایه‌داری حاکم در آن عصر، خودمختاری خصوصی به شکلی فزاینده تخفیف پیدا کرد. در نتیجه، از دولت خواسته شد برای اطمینان یافتن از امنیت و نظم عمومی با این روابط کاملاً خصوصی کار کند. فاریس و روزنوالد ذکر کردند که: در دهه اول قرن بیستم، علائم خستگی در دولت لیبرال ظاهر شد. "دست نامرئی" بازار نمی‌توانست پاسخگوی سوالات اجتماعی و ضروری آن دوران باشد، چون تشکیلاتی برای این کار وجود نداشت. این استنباط وجود داشت که سیستم قانونی باید برای

^۱ مطالب توسط مترجم اضافه گردیده است.

تخفیف نابرابری‌ها عمل کند و نیازهای هر فرد به ظهور مداخله در رفاه کشور منجر شود. نسل دوم حقوق اجتماعی دیگر با یک موضع خودداری کننده دولت همخوانی نداشت. در عوض، این فضیلت به منافع مثبتی منتقل می‌شد که ضامن حقوق و شرایط برخورداری از آزادی می‌شد (Bonavides, 2007: 184).

بنابراین، در قرن ۲۰ تحولی روی داد _ تحول از دولت لیبرال به دولت رفاه. طیف فعالیت دولت پیش از هر فردی گسترده شد، چراکه دولت به جای اینکه این روش را نادیده بگیرد مثبت عمل می‌کرد. بر این اساس، بناویدز اظهار می‌کند که: دولت رفاه تحولی است که به شکل موثر تحمیل شده است چون بر دولت لیبرال پیشین جلو زده است. وقتی دولت با فشار توده‌ها و ادعاهای ناشکیبانه قدرت چهارم مجبور به کاری می‌شود از داخل و خارج قانون دولت، حقوق کارگران، امنیت اجتماعی، آموزش و دخالت در اقتصاد بعنوان یک عامل توزیع، تعیین حقوق‌ها، بالا و پایین کردن قیمت ارز و تعیین قیمت‌ها را تضمین می‌کند، و آن را دولت رفاه می‌نامد. همچنین وقتی با بیکاری مبارزه می‌کند، از بیماران حمایت می‌کند، به کارمندان و کارگران نهادهای دولتی مالکیت خانه‌ای را می‌دهد، مشاغل را کنترل می‌کند، محصولات تولیدی را می‌خرد و صادرات را نرخ‌گذاری می‌کند دولت رفاه است. بعلاوه، دولت رفاه اعتباراتی را به افراد می‌دهد، کمیته‌های تولید تأسیس می‌کند و تمام طبقات اجتماعی را به قدرت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خودش وابسته‌تر نگه می‌دارد. خلاصه اینکه، نفوذ چنین دولتی در تمام بخش‌هایی که از پیش بیشتر به افراد تعلق داشت بیشتر می‌شود؛ حالا دیگر آن را فقط می‌توان دولت رفاه نامید (Oliveira & Andrade, 1998: 40).

در این زمینه، اصول حمایتی که دولت ارتقاء داده است با شدت بیشتری ایجاد می‌شوند. بنابراین، خودمختاری بخش خصوصی به خودمختاری بخش دولتی می‌انجامد. و به این نتیجه می‌رسیم که دولت رفاه به پادگذاره دولت لیبرال تبدیل می‌شود، چون ایدئولوژی هر دو رقابت‌برانگیز است و براساس نظریه‌های مخالف شکل گرفته است. تصویر شهروند_ مشتری در قالب فرد ظاهر می‌شود و به دولت متکی می‌ماند تا منافع شخصی کسب کند. این نظریه با نظریه الیویرا و آندراد فرق دارد.

جامعه پس از جنگ جهانی اول، این جامعه بزرگ، برای استفاده از اصطلاحی که از جامعه‌شناسی قرن بیستمی وام گرفته بود، به دو بخش جامعه شهروندی و دولت تقسیم می‌شد. این جامعه دیگر یک دولت لیبرال "خنثی" به دور از درگیری‌های اجتماعی نبود، بلکه دولتی بود که نقش یک کارگزار را بازی می‌کرد، کارگزاری که واقعیت اجتماعی را خوب مدیریت می‌کرد و حتی می‌خواست شکل‌های مختلف زندگی را اجرا کند و به "عموم" رهنمودهایی را برای "زندگی خوب" تحمیل کند. هدف دولت رفاه اجتماعی ... این است که با ارائه رفاه از سرمایه‌داری حمایت کند. چنین دولتی به صورت تصنعی رقابت آزاد و شرکت‌های خصوصی را مدیریت می‌کند، و با فراهم کردن خدمات دولتی و اطمینان از رعایت حقوق اجتماعی نابرابری‌های اجتماعی را جبران

می‌کند. ... شهروند زمان دولت لیبرال حالا مشتری بخش دولتی است که خدمات و کالاهای مناسب را برای او فراهم می‌کند.^۱

اما، این ژست پدران و انحصاری شرایط بحرانی دارد، چراکه منابع موردنیاز برای برآورده کردن نیازهای اجتماعی وجود ندارد، و باید در نظر گرفت که چنین هزینه‌هایی با درآمدهای معمول چندبرابر هم می‌شود. به محض اینکه دولت تعهدات خاصی را به عهده می‌گیرد و نمی‌تواند آنها را برآورده کند چنین بحرانی در دولت رفاه به وجود می‌آید. بنابراین، با توجه به مشکلات پیش روی دولت رفاه، لازم بود الگوی جدیدی برای دولت ایجاد شود که بتواند چنین مشکلاتی را برطرف کند. بعد نوبت به ایدئولوژی نئولیبرالی می‌رسد که براساس مفاهیم اقتصادی و سیاسی جدید به هدف تقویت سرمایه‌داری بنیان گذاشته شده است. همان‌طور که مشاهده شد، تاریخ دولت و جامعه مانند یک چرخه تکرار می‌شود، گاهی لازم است دولت مشارکت حداقلی داشته باشد، حالا کاملاً آشکار است که دنبال سهم کلیت دولت هستند. امروزه، به‌ویژه در آمریکای لاتین، حکومت‌ها آشکارا سیاست‌های پاترنالیستی را برگزیده‌اند تا با این روش از بروز مشکل دولت رفاه جلوگیری کنند و همزمان تأیید عموم مردم را هم به دست آورند.

همانگونه که در این تحقیق مشاهده می‌شود، اتخاذ سیاست‌های پدرسالارانه در مقایسه با الگوی دولت رفاه هزینه‌های کمتری دارد، و به نوعی ضامن حمایت عمومی است. در حقیقت، سیاست‌های پاترنالیستی همیشه برای بخشی از مردم جذاب بوده است و در نتیجه دولت از آن برای شیره مالیدن به سر مردم استفاده می‌کند و نهایتاً به تمامیت‌خواهی دولت‌ها می‌انجامد. در برزیل بیشتر چنین موضعی اتخاذ شده است، و اصولاً برنامه‌های مختلف دولت فعلی و بسیاری از تصمیمات قضایی چنین چیزی را نشان می‌دهد.

۳- مصلحت‌سنجی‌های پدران دولتی چطور اتفاق می‌افتد؟

پاترنالیسم را می‌توان در انواع مختلف روابط مشاهده کرد. اما این تحقیق توجه خودش را به مصلحت‌سنجی‌های پدران دولتی معطوف کرده است که هدفش شهروندان هستند. بنابراین پاترنالیسم به شکل‌های گوناگون بروز می‌کند، مثل پاترنالیسم دولتی، خودش، و پاترنالیسم قانونی و قضایی. برای درک بهتر این کار لازم است اشکال مختلف پاترنالیسم را از هم تشخیص دهیم. پاترنالیسم را باید جنس و گونه‌ای تنها برای اهداف آموزشی بدانیم، یعنی شکل تمثیلی چندگونه از پدیده‌ها برای مطالعه. پاترنالیسم دولتی را می‌توان در قالب عملی دید که دولت برای حمایت از افراد انجام می‌دهد. با توجه به آسیب‌پذیری بشر، دولت با افراد رابطه‌ای برقرار می‌کند تا تضمین کند آنها را در برابر شر و بدی در امان نگه می‌دارد. بنابراین، پاترنالیسم دولتی هم می‌تواند جنسی

^۱ مطالب توسط مترجم اضافه گردیده است.

از این تشکیلات در دست تحلیل باشد، از آنجا که بکارگیری آن می‌تواند نه فقط به صورت قوانین و مقررات بلکه به شکل‌های مختلف ظهور کند. همانطور که گارسیا توضیح می‌دهد (Garcia, 2005: 458)، پاترنالیسم دولتی خودش به شکل گونه‌ای مختلف ظاهر می‌شود:

بنظر من، پاترنالیسم دولتی شامل هر کاری می‌شود که یکی از ارگان‌های دولتی انجام می‌دهد. فقط اگر اهداف دستیابی به اهدافش را قانون به رسمیت بشناسد آن را پاترنالیسم دولتی مشروع می‌نامند. در غیر این صورت، سایر شکل‌های پاترنالیسمی را پاترنالیسم دولتی نامشروع می‌دانند. در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم. اول، دولت با اهداف پدرانگانه انگیزه‌های اقتصادی ایجاد می‌کند. دیگر نمونه این نوع رفتار پدرانگانه، اجرای کنارگذاشتن برنامه‌های سبک ناسالم زندگی است: ممکن است به بهانه هدفگیری توقف استعمال دخانیات مالیات تنباکو را افزایش دهند. سوم، به یک سری عواملی اشاره می‌شود که دولت برای رسیدن به اهدافش آنها را ترغیب می‌کند. منظورم از "ترغیب" ترغیب عاقلانه نیست بلکه منظورم اشاره به شرایطی است که در آن دولت اطلاعات مفیدی را مخفی می‌کند یا عموم را فریب می‌دهد. مثال‌های زیادی برای این نمونه می‌توان زد که از نمونه‌های کم‌ضررتر شروع می‌شود، علائم اخطار دهنده اشتباه ترافیکی را در نظر بگیرید که از این دسته هستند تا نمونه‌های خطرناک‌تر مانند دستکاری در داده‌های مربوط به شاخص‌های اقتصادی ملی.

۵۲

مثلاً در اسپانیا سیاست کلی جلوگیری از مصرف مواد مخدر تنها براساس تهدید و جرم بودن آن نیست. از ابزارهای ترغیبی دیگر هم به شکل گسترده استفاده می‌شود، مانند تبلیغات در مبارزات رسانه‌های عمومی. این مبارزات را نمایندگی‌های تبلیغاتی رهبری می‌کنند که تخصص‌شان ارائه بهترین راه‌حل‌ها نیست اما متقاعدکننده‌ترین کارها را می‌کنند. به علاوه این مبارزات حتی از نظر ادبی هم تنظیم نمی‌شوند، چه برسد به استدلال، بلکه تمرکز آنها بر صدا و تصویر است. در نهایت، آنها را طوری برنامه‌ریزی می‌کنند که نسبت به استفاده از مواد مخدر نوعی واکنش خصمانه ایجاد کنند، نوعی واکنش شرطی که به گفتن "نه" ختم شود _ شعار یکی از این مبارزات هم همین بود^۱.

از سوی دیگر، پاترنالیسم قضایی باتوجه به اینکه حمایت دولت از طریق تصویب قوانین از سوی دولت در روند قانونگذاری انجام می‌شود در قالب نوع دوم اینگونه سیاست ظاهر می‌شود. برای درک بهتر این تعریف سامپیو جونیور اظهار می‌کند (Sampaio, 2007: 4820).

فلسفه قانونی آمریکا پاترنالیسم قانونی را از انواع ممکن قانونگذاری دولتی می‌داند. گزینش قانونی این معیار توزیعی و رفتار قانونگذاری شده به هدف محدود کردن کسب منفعت انجام می‌شود. پاترنالیسم قانونی با وضع یک سری قوانین به منفعت فرد فکر می‌کند. مثلاً، در قانون کار و قانون مصرف‌کننده می‌توان درهم تنیدگی

^۱ مطالب توسط مترجم اضافه گردیده است.

قوانین را دید که می‌تواند جلوی برخی رفتارها را بگیرد یا اجراهای متفاوتی را باعث شود. هدف بیشترین سود کارگر یا مصرف‌کننده است. بالاخره، باید پاترنالیسم قضایی را نوع دوم پاترنالیسم دولتی بدانیم. پاترنالیسم قضایی که آن را "پاترنالیسم حاکمانه" نیز می‌دانند حمایتی است که تصمیمات قضایی به بخشی از افراد در حوزه معینی ارائه می‌کنند. چنین حمایتی با آسیب‌پذیری آن دسته از افراد تعیین می‌شود با این باور که آنها همیشه در برخی ارتباطات شکل گرفته در زندگی روزمره‌شان کم‌بهره می‌مانند. این نوع پاترنالیسم در روابط مصرف‌کننده و کارگر رایج است. بروگز معتقد است (Borges, 2010: 48).

جستجو برای "پاترنالیسم حاکمانه" کار قاضی است _ او باید تلاشش را دو برابر کند تا به این هدف برسد. اول اینکه، قاضی سخت می‌کوشد تا یکی از طرف‌ها را "نالایق" جلوه دهد، تا دخالت پدرانه خود را توجیه کند. برای رسیدن به این هدف در بسیاری از تصمیم‌گیری‌های خود می‌کوشد مفهوم مصرف را تقویت کند، چون تحت این شرایط سیاست‌های پدرانه قابل توجیه است. به این ترتیب، باید برای این نالایقی ابتدایی کاری کرد!

در نتیجه، دولت به چند شیوه در روابط خصوصی دخالت می‌کند، در اصل به شکل حمایت از طرف ضعیف که به گرفتن رهبری او خاتمه می‌یابد و در نهایت به موضع کاملاً استبدادی آن. سیستم قضایی که زندگی خصوصی را مستقیم اداره می‌کند با پاترنالیسمی که دادگاه‌ها در پیش گرفته‌اند ارتباط مستقیم دارد. در این ۵۳ پدیده دولت _ قاضی خودش را در قالب تنها مقام لایق برای اجرای قانون و حل مشکلات پیش آمده در زندگی روزمره ارائه می‌کند. دلیل چنین کاری هم دقیقاً این است که دولت _ قاضی تنها عامل اجتماعی است که می‌تواند تصمیماتش را به اجرا بگذارد. در این مورد، نقش پدر را قاضی به عهده دارد. قاضی حکم را به نفع طرف ضعیف‌تر صادر می‌کند، چون معتقد است با این کار نابرابری روند ارتباطی را کاهش می‌دهد. در این مورد سیستم قضایی نقش پدرانه ایفا می‌کند نه نقش قانونی، بنابراین همه نوع تقاضایی هم دارد، همانطور که سامپیا جونیور به ما می‌آموزد (Sampaio, 2009: 18).

در عصر مدرن، تمایل قانونی به اعتقاد به خدای واحد این مسئولیت را بعهدہ دولت گذاشته است که از تمام بازده‌ها و کاربردهای قانون استفاده کند. بنابراین، ابزارهای سابق کنترل و آرام کردن جوامع سنتی دیگر از بین رفته‌اند. بنیادهای قدیمی که ساختار قدرت جامعه بر آنها استوار بود فرو ریخته‌اند. این تصورات که با داشتن قدرت مطلق تقویت می‌شوند، می‌توانند در یک درگیری میانجیگری کنند و از نظر اخلاقی قادر به حل آن هستند اما کم‌کم دیگر توفیقی در جلب حمایت ذاتی استبداد ندارند. جمله معروفی هست که می‌گوید: "شکایت خودت را نزد یک کشیش ببر." این جمله نشان می‌دهد که منظور گیلبرتو فریر چیست

^۱ مطالب توسط مترجم اضافه گردیده است.

وقتی از شهرت کشیش‌ها حرف می‌زند: "کشیش قدرتی روحانی دارد که از یک فرد عادی بسیار وزین‌تر است و روح مردم اطراف در آن شکل می‌گیرد." همان‌طور که می‌بینید این گفته دیگر از مد افتاده است. امروزه براساس سیستم قضایی که به درستی شکل گرفته است شکایت را مستقیم نزد قاضی می‌برند. در نتیجه، میانجیگری در درون خود جامعه ناموفق است. چنین سیستمی بخش قضایی را مانند ارگانی می‌بیند که قادر است درگیری‌ها را حل و فصل کند، حتی اگر تنها قدرت اجرایی چنین تصمیماتی باشد.^۱ به نظر می‌رسد این نوع پاترنالیسم ارزشمندتر از پاترنالیسم قانونی باشد. قوانین پاترنالیسمی را قوه مقننه طبق روند قانونگذاری ترویج می‌کند و با قانون اساسی کشور سازگار است. در غیر این صورت، چنین قوانینی را خلاف قانون اساسی می‌نامند. این ضرورتی است که از خواسته مردم برمی‌آید.

در مورد پاترنالیسم حاکمانه، قاضی خودش را برای تصمیم‌گیری در مورد نفع طرفی که به نظرش آسیب‌پذیرتر است محق می‌داند. این تصمیم‌گیری غالباً بدون پایه و اساس قانونی انجام می‌شود و فقط فرد باور دارد که به این ترتیب عدالت بهتر اجرا می‌شود. هنجار قانونی مشروط به روند قانونگذاری از پیش است (کمیته مطالعاتی، تحلیل و ...). اگرچه چنین روندی بسیار حمایت‌کننده است، چنین داده‌های از پیش تعیین شده‌ای هنگام برگزاری دادگاه در اختیار قضات نیست. بنابراین، چنین تصمیماتی براساس ایدئولوژی‌ها و باورهای قاضی انجام می‌شود. در چنین شرایطی، قاضی به نفع فردی تصمیم می‌گیرد که او را آسیب‌پذیرتر و مستحق‌تر برای دریافت حمایت می‌بیند. این تصمیم غالباً براساس سیستم قانونی نیست.

بنابراین، مهم است نشان دهیم که پاترنالیسم قضایی چگونه اجرا می‌شود، آنچه با تصمیمات و ایدئولوژی‌های خودسرانه قاضی ظاهر می‌شود و ممکن است جامعه را محافظت کند. با این کار نظر غلط سیستم قضایی روی کار می‌آید و به دنبال خود سناریوی ناامنی قانونی در جامعه بوجود می‌آید که از آن حمایت می‌شود. وقتی قاضی _ حاکم چنین اصولی را در پیش می‌گیرد این را می‌بینیم، مانند استبداد در روابط کاری. به جای اینکه دنبال تعادل در روابط کاری باشند تعادل را به هم می‌زنند و ناامنی بوجود می‌آورند.

تئودور جونیور می‌گوید: بررسی حکم دادگاه‌ها به نام اصول اجتماعی _ اخلاقی را می‌توان پدیده و به صلاح‌دید دانست. خود قاضی نمی‌تواند طرف آسیب‌پذیر را به یک ابرقدرت تبدیل کند و از او در اهداف قراردادی یک دیکتاتور بسازد. این کار باعث برهم خوردن توازن می‌شود آن هم برهم خوردن توازن در جهت مخالف. اگر طرف ضعیف‌تر بتواند با حمایت‌های قضایی نامتناسب هم صدا شود، کارفرمایی که در موضع قدرتمندتری ایستاده است در موضع ضعف قرار می‌گیرد. عجیب است که جلوی یک اشتباه گرفته می‌شود _ یک بی‌عدالتی با بی‌عدالتی دیگر. البته از نظر منصفانه بودن قرارداد این کار نادرست است (Theodoro, 2004: 19).

^۱ مطالب توسط مترجم اضافه گردیده است.

بخشی از مردم طرفدار این نوع تصمیم‌گیری هستند، معتقدند که در موارد خاص اینکار می‌تواند مفید باشد، مثلاً وقتی برای همسایه یا دوست یا یکی از نزدیکان‌شان چنین اتفاقی می‌افتد. در این مورد، اصول سنتی قانون از جمله استقلال قراردادها از طرف قاضی از بین می‌رود تا منفعت یکی از طرف‌ها را در برداشته باشد. چنین حمایتی خودسرانه و بی‌اساس است. فقط ماهیت پاترنالیسمی‌اش را نشان می‌دهد. چنین قضاوتی این واقعیت را توجه نمی‌کند که با حمایت از یک طرف خاص کل جامعه باید خسارت شکست طرف دیگر را بدهند. بنابراین، وقتی یک برنامه بیمه همگانی قرار است علاج یک بیماری را پوشش دهد که در قرارداد کاربر آن نیامده است، شرکت‌های بیمه دنبال راهی می‌گردند تا در دسر آن را به گردن جامعه بیندازند. برنامه بیمه‌ی همگانی^۱ بعنوان یک طرح قیمت‌های بیمه کل گروه را افزایش خواهد داد و یا دریافتی پزشکان‌اش را کاهش خواهد داد. در هر دو صورت، بار این کار بر شانه‌های جامعه سنگینی خواهد کرد که در نتیجه یک تصمیم فردی برای سود گروهی کوچک گرفته شده است. این اواخر، دادگاه میناس گرایس طرح تعلیق خدمات آب را کنسل کرد (Agravo de, 2013). شرکت آب خدمات‌رسانی را به دلیل گذشتن مهلت پرداخت بدهی تعلیق کرده بود. بنابر رأی دادگاه، مصرف‌کننده‌ای که در این کار کوتاهی کرده بود نوعی خدمات اجتماعی انجام داده بود و آن هم نگهداری از تعداد زیادی سگ در خانه خودش بود. باید توجه شود که اگر کسی که از او شکایت شده بود تصمیم داشت بیش از ۳۵ سگ را در خانه‌اش نگه دارد، باید شرایط ۵۵ حداقلی را می‌داشت. اما چنین اتفاقی نیفتاد، و باید به خاطر داشته باشیم که خود این فرد اعتراف کرد از عهده پرداخت قبض بر نیامده است.

این تصمیم کاملاً پدران است و با فلسفه قانون معاهدات و تعهدات جور در نمی‌آید. علاوه بر این، عواقب زیادی به دنبال دارد که نهایتاً به ضرر جامعه است. یکی از عواقب مستقیم آن این است که صاحب امتیاز خدمات عمومی شهر دنبال راهی می‌گردد تا تعصبات‌اش را به مصرف‌کنندگان منتقل کند مثلاً با افزایش نرخ‌هایش. در فضای معاهدات جالب است به یاد داشته باشیم که سیستم قضاوت اولین بار در ریودوژانیرو^۲ روی کار آمد. یک شاکی خواستار دریافت خسارت مادی و معنوی در قبال از دست دادن ۹۵ درصد از دارایی سرمایه‌گذاری شده خود در یکی از صندوق‌ها شد. این درخواست بر این اساس تنظیم شده بود که قابل قبول

^۱ در ایران و در سیاست‌های اتخاذی دولت یازدهم، طرح همگانی (بیمه سلامت) به‌زعم ما مصداق عملکرد و مراقبه پدران دولتی است.

^۲ Ação de Indenização (Action for damages) n. 1999.001.141054-2 of the 33th Civil Court of Rio de Janeiro.

نیست یک سرمایه‌گذار تمام سرمایه خود را ببازد. اما در نظر گرفته نشده بود که سطح آموزش یا آگاهی سرمایه‌گذار چقدر است، بلکه فقط به خطر از دست دادن سرمایه توجه شده بود.^۱

در بررسی این تصمیم، ممکن است این مورد دخالت داده شود که قاضی به عواقب این دستور اقتصادی توجه نکرده است و نمی‌داند این حکم چه نتیجه و ضرری برای طرفین به دنبال دارد. در واقع، این دستور هیچ مسئولیتی را متوجه طرف پیروز در مقابل آنچه انجام داده است نمی‌کند. این فرد بنابر خواست خود وارد یک سرمایه‌گذاری پرخطر شده است، اما عواقب انتخاب‌اش را نمی‌تواند تاب بیاورد و هنوز دنبال جبران خسارتی است که دیده است. شکی نیست که این سرمایه‌گذاری براساس خواست و آزادانه انجام شده است و مسئولیت او در این حکم کاملاً مردود است. این کار نقض آشکار رابطه دوطرفه مسئولیت _ آزادی از سوی گروهی است که نیاز به حمایت پدرانه داشتند. نقض شدید و خودسرانه یک به یک قانون عواقبی را نشان می‌دهد، نوعی ناامنی در مورد روابط خصوصی. این نوع تصمیم‌ها، که تعداد آنها هر روز در دادگاه‌های برزیل بیشتر می‌شود، ایده قانونگذاری زندگی خصوصی را تقویت می‌کند. بنابراین، بعنوان یک اثر مستقیم شاید بیانگر دخالت آزادی انتخاب و به دنبال آن آزادسازی هر نوع قانونمندی در نتیجه این انتخاب ناموفق باشند. نتیجه غیرمستقیم آن، توجه به برخی اعمال برای کسب حمایت پدرانه غیرقانونی است. هر روز هزاران شکایت با هدف آشکار دریافت حمایت پدرانه به دادگاه می‌رسد، که کاملاً از تشریفات و روند قانونی جدا هستند.

۵۶

امروزه، بحث‌های زیادی درباره شیوه‌های دستیابی به قضاوت درست وجود دارد. این نکته را همان حمایتی می‌دانند که سیستم قضایی به نفع یک فرد بکار می‌گیرد همان فردی که حقیقت را طرف دیگر ضایع کرده است. در این سناریو، عقیده چیرگی شکل می‌گیرد و حتی قوانینی برای کسب تأثیر و عدالت تصویب می‌شود. اما، باید توجه کرد که سرکوب تشریفات و بویژه سرکوب قوانین را باید با احتیاط زیاد تحلیل کرد، چون آنها را هم برای رسیدن به عدالت ایجاد کرده‌اند. این روند باید رسماً بررسی شود، چون این سوال نباید برای قاضی باقی بماند که تصمیم چه کسی درست مطابق با منافع گروهی کوچک است و برای جامعه ناامنی قانونی ایجاد می‌کند. بعلاوه، از لحظه‌ای که دولت، از طریق سیستم قضایی، شروع به ایجاد استانداردهایی برای موارد خاص می‌کند، یا حتی شروع می‌کند به اجرای سیاست‌های عمومی نقض آشکار اصل تفکیک قوا بوجود می‌آید. باید توجه داشت که چنین کاربردی به قوای مجریه و مقننه نیز داده شده است. بنابراین، تولید استانداردها، بدون وجهه قانونی مناسب نشان از اجرای موضوعی و سهل‌انگارانه سیستم قضایی دارد. و نقض

¹ The Civil Court of Rio de Janeiro reversed judgment in June, 27th, 2007 (Apellate Review n. 0150007-36.1999.8.19.0001 (2007.001.05059)). The final decision regarding this matter will be taken by a higher Court.

قانون است، چراکه فرد خود را با استانداردهای تولید شده از سوی قدرت قانونگذار و دولت دموکرات ظاهر می‌کند.

در اینجا جالب است طبقه‌بندی پاترنالیسم را در حقوق خصوصی مرور کنیم. پاترنالیسم ضعیف به دخالت نرم دولت به منظور آموزش و اطلاع‌رسانی و تأثیرگذاری بر روند تصمیم‌گیری اطلاق می‌شود. در نتیجه شخص را به سوی چیزی هل می‌دهد که قرار است نتایج بهتری برایش در برداشته باشد. قانون در این زمینه همیشه استفاده ابزاری دارد، یعنی اطلاعات وظیفه خاصی دارند و چارچوب اطلاعات را وظیفه به شکل معین تعریف می‌کند و آن را جایگزینی در مبارزات اطلاعاتی دولت‌ها و غیره در نظر می‌گیرند. پاترنالیسم قوی بیشتر نقش دخالت‌کننده را دارد. مأموریت آن فقط اطلاع‌رسانی صرف یا حتی ترغیب نیست بلکه هدفش این است مطمئن شود رفتار فردی که منتج به نتایج معکوس می‌شود تغییر کند یا در صورت لزوم متوقف شود. تمرکز آن بر تغییر اولویت‌هاست تا بر آگاهی دادن فرد نسبت به مزایا و معایب نسبی اولویت‌هایش. به این ترتیب پاترنالیسم قوی با قانون اجباری سروکار دارد (Ogus Anthony, 2011: 3). در ایران استفاده از متون متحدالشکل قراردادهای بیع و اجاره در قالب استانداردهای اجباری محتوای قراردادها توسط اتحادیه املاک و در برخی موارد حضور کارشناس حقوقی و امضای قولنامه توسط ایشان نمونه بارز پاترنالیسم قوی است. هرچند که متأسفانه این آخری در عمل اجرا نمی‌شود. در بازار بورس و سرمایه نیز بعضاً صدا و سیمای ملی ۵۷ خطرات ناشی از بورس و ریسک آن را به تصویر می‌کشد که این همان وظیفه اطلاع‌رسانی و داشتن اطلاعات بهینه در تصمیم‌گیری طرف ضعیف‌تر و یا به اصطلاح آن کسی که قدرت چانه‌زنی کمتری دارد.^۱

۴- نقدهایی بر مصلحت‌سنجی‌های پدران دولتی

در مورد پاترنالیسم، مهم است بدانیم چرا لازم است از جانب یک گروه که آسیب‌پذیر شناخته می‌شوند کار کنیم و گروه هدف این نوع کار چیست. همانطور که ممکن است از مفهوم پاترنالیسم درک شده باشد، یکی از قوانین طبیعی آن براساس سطح فرد فرمول‌نویسی شده است، روزنه‌ای از آزادی فردی، با محدودیت منافع. در واقع، فرصتی برای رد کردن این راه علاج حمایت‌کننده داده نشده است. به عبارت دیگر، در مورد پاترنالیسم قضایی، آیا قانونی است که یک قاضی به منافع یک گروه فقط به این دلیل توجه کند که آنها صرفاً لایق حمایت هستند؟

سوال این است که آیا قانونی است شهروندان را مجبور کنیم تصمیماتی معین بگیرند یا تصمیمات دیگری را که دولت گرفته است رعایت کنند، آن هم در مواردی که چنین تصمیمی شاید خوب باشد و شاید بد. در

^۱ مطالب توسط مترجم اضافه گردیده است.

تمام این موارد، شاید آن فرد توانا و آزاد باشد، و غالباً موافق این نوع حمایت نباشد و چنین تصمیمی را نخواهد. در هر حال، این موضوع به محدودیت‌های دخالت دولت در فضایی کاملاً خصوصی مربوط می‌شود. در واقع، این قوانین طبق روند قانونگذاری وضع شده‌اند و به آنها قدرت زیادی داده شده است و نشانه خواست اکثریت هستند _ بدون در نظر گرفتن خواست و اراده فرد (لطفی، ۱۳۹۷: ۵۱).

اجباری بودن از خصوصیات هیچ قانونی نیست. قوانینی که ماهیت مذهبی دارند _ مثل جلوگیری از استفاده از وسایل جلوگیری از بارداری یا حتی در نظر گرفتن ازدواج بعنوان یک بنیان جدا نشدنی از قوانین اجباری هستند. کسانی که در چنین گروه‌هایی مشارکت دارند مجبورند این قوانین را محترم بشمارند. اما کسانی که با این اصول مذهبی خاص موافق نیستند می‌توانند فقط از این گروه کناره بگیرند و بنابراین لازم نیست شاهد چنین عزم و اراده‌ای باشند. از سوی دیگر، تصمیمات قضایی خصوصیات امری و اجباری دارند، و بنابراین تمام کسانی که در تهیه یک تصمیم قضایی مشارکت دارند باید به آن توجه و از آن تبعیت کنند. چنین صلاح‌دیددی در روابط بین فرد و دولت وجود ندارد. دولت یک موجودیت پدروانه مآب است، بنابراین شهروند یک موقعیت از پیش تعیین شده برای انتخاب‌های دیگران است. در واقع، دولت را وقتی پاترنالیسم می‌دانیم که از مشکلاتی معین آزاد باشد مشکلاتی که طبیعی تصور می‌شود.

تاریخ نشان داده است که شاید برای یک دولت سودمندتر باشد که برخی سیاست‌های پدرسالارانه را در پیش بگیرد، دقیقاً به این دلیل که ثابت شده است آنها کم‌خرج‌تر هستند، و دولت را بیشتر می‌توان دولت رفاه دانست. دولت رفاه در برابر کارگران، مشکلات اجتماعی، اقتصادی و مسائل سیاسی مسئولیت‌هایی دارد که بارش بعهده عموم است. بعلاوه، با گرفتن موضع پدرسالارانه چه از طریق تصمیمات قضایی یا حتی استانداردهای قانونی، دولت هزینه‌ها و مسئولیت‌هایی را بر جامعه تحمیل می‌کند. و دقیقاً این سناریو است که نشان می‌دهد چنین دولتی استبدادی است، چراکه چنین اعمالی ظاهراً نوع‌دوستانه هستند اما به جامعه تحمیل می‌شوند.

چیزی که به ظاهر سودمند است مخرب می‌شود. قانون کارگری این مسئله را تشدید می‌کند. سختگیری برای کسب منفعت کارگران، که همیشه آسیب‌پذیر به نظر می‌رسند، غالباً از خلاقیت در شغل‌های جدید و حتی تکامل حرفه‌ها جلوگیری می‌کند. به عبارت دیگر، هرچه قوه قضائیه در امور خصوصی بیشتر دخالت می‌کند و برای شهروندان تصمیم می‌گیرد، افراد کمتر احساس آزادی می‌کنند. این وضعیت باعث می‌شود شهروند در مقابل دولت در موضع بندگی و انفعال قرار بگیرد. بنابراین لازم است درباره عواقب ممکن ناشی از سیاست پاترنالیسمی بیندیشیم.

۵- پیشنهاد درباره پاترنالیسم مشروع

جدیداً مطالعه درباره پاترنالیسم در برخی دولت‌ها از جمله برزیل معنی‌دارتر شده است. برای پاسخ دادن به سوالات مربوط به مشروعیت پاترنالیسم، مارتینلی^۱ چندین جنبه پاترنالیسم را با تأیید بر قانون جنایی در نظر می‌گیرد و نتیجه می‌گیرد که: در یک پاترنالیسم مشروع، در اصل یک طرف باید آسیب‌پذیر باشد. آسیب‌پذیری می‌تواند به شیوه‌های گوناگون ظاهر شود. می‌تواند به نبود شناخت از توسعه مربوط باشد، کمبود اطلاعات، اجبار، جعل یا خصوصیات ویژه فرد. در فرضیه‌های قبل، برخی ویژگی‌ها فرد را در ارتباطی خاص شکننده‌تر می‌کرد مثل زنان، معلولان و سالخورده‌گان^۲.

بنابراین، طبق گفته‌های نویسنده مذکور برای اینکه پاترنالیسم را مشروع بدانیم باید آسیب‌پذیری واقعی باشد یعنی، به دلیل ناتوانی فرد در تصمیم‌گیری برای خودش دولت قدرت پیدا می‌کند برای این کار اقدام کند. اما، این آسیب‌پذیری را باید با دقت ارزیابی کرد تا درگیر یک چرخه معیوب نشود و باز خطای خود پاترنالیسم را به بار نیورد و هدف انتقاد قرار نگیرد. در واقع، شاید یک فرد سالخورده توانایی حرکتی محدودی داشته باشد و مستحق حمایت پدران باشد چیزی شبیه به خدمات بانکی (گیلانی گیجه، ۱۳۹۵: ۷۱).

از سوی دیگر، قانونی که افراد سالخورده را از انتخاب سیستم ثبت ازدواجشان منع می‌کند چندان قابل ستایش نیست. مطمئناً کسی نمی‌تواند جلوی یک فرد سالخورده را بگیرد و نگذارد نحوه زندگی‌اش را براساس ۵۹ سنش انتخاب کند. در این مورد، باید عوامل دیگر را هم بررسی کرد، مثلاً باید دید کهولت سن مشکلات روحی را به دنبال می‌آورد که باعث کاهش قدرت تشخیص در فرد شود.

مارتینلی^۳ در زمینه‌ی مشروعیت پاترنالیسم قانونی می‌گوید: قانون جنایی می‌تواند در حمایت از قانون پدران رفتار کند، و ملزوماتی معین دارد. اول، جنبه‌های قانونی باید بر اصل حفاظت از استقلال شخصی باشند. دوم، هر فردی که از محدودیت در آزادیش رنج می‌برد نمی‌تواند آدمی مستقل باشد. اگر استقلال وجود داشته باشد، مشروعیت در قانون جنایی قانونی نیست. سوم، حمایت قانونی باید ضامن استقلال فرد در حال حاضر و در آینده باشد. بالاخره، استقلال را باید هر فرد خودش درک کند، آن هم با در نظر گرفتن سابقه زندگی هر فرد. ارزش‌های هر شخص، با توجه به تجربیاتش سنجیده می‌شوند و بدون تحمیل استانداردهای رفتاری قابل احترام نیستند. به همه انسان‌ها باید احترام گذاشت. روش زندگی هر کس باید حفظ شود و استقلال آن

^۱ Martinelli, J. P. O. (2010). Paternalismo Jurídico-Penal. Available at:

<http://www.teses.usp.br/teses/disponiveis/2/2136/tde-27012011-113618/pt-br.php> Access: 01 jul. 2013.

^۲ مطالب توسط مترجم اضافه گردیده است.

^۳ Id., p. 264.

باقی بماند، تا حقوق طرف سوم هم حفظ شود. قانون جنایی هرگز نمی‌تواند در محیط فردی دخالت کند مگر اینکه دلیل قانع‌کننده‌ای برای این کار وجود داشته باشد.^۱

پس، اگر در قانون جنایی دخالت دولت امری نهایی باشد، در قوانین خصوصی، که استقلال اراده وجود دارد این قوانین یکی از ستون‌های اصلی است، بنابراین باید دخالت دولت را با احتیاط بیشتر تحلیل و تجزیه کرد. بعلاوه، قوه قضائیه اجازه ندارد حمایت از فردی را بعهده بگیرد، مانند وکیل یک نفر عمل کند، و به ضرر سیستم خودش رفتار کند. مثال خوب این مورد تصمیم جدید دادگاه عالی قضایی برزیل است که در قراردادهای تجاری خصوصی به قانونی در این زمینه احترام می‌گذارد. در واقع این مورد به فروش دانه روغنی سویا بین دو طرف در بخش خصوصی مربوط می‌شود. قیمت سویا افزایش می‌یابد و خریدار از فروشنده با استفاده از گزینه "فرضیه غیرقابل پیش‌بینی" بودن شکایت می‌کند. دادگاه عالی چنین موضعی می‌گیرد که این فرضیه در مورد چنین قرارداد تجاری کاربرد ندارد. عبارت دیگر، حالا که دیگر قرارداد بسته شده است خریدار باید با خطر پیش‌بینی نکردن سودها دست و پنجه نرم کند. بنابراین، حیطه قوانین خصوصی با این نظر پاترنالیسم دولتی تقویت می‌شود. دیگر تصمیمات این دادگاه را هم در زمینه قرارداد بانکداری الکترونیک داریم که از قوانین خصوصی به شیوه‌ای کمتر پدرا نه در موارد مربوط به مصرف‌کنندگان استفاده می‌کند (Carlos & Campos, 2011: 249).

۶۰

نتیجه‌گیری

همانطور که در تحقیق ما به خوبی نشان داده شده است، سیاست‌های پاترنالیسمی (مصلحت‌سنجی‌های پدرا نه) اتخاذ شده از سوی دولت می‌تواند مضر و بی‌ارزش باشد، چراکه می‌تواند منجر به از بین رفتن آزادی‌های فردی شود. در نتیجه، ممکن است پاترنالیسم را یکی از عوامل تمامیت‌خواهی دانست که در آن فرد یا یک بنگاه بر شخصی خاص یا گروهی به موجب یک قانون خوب اعمال قدرت کند. در حقیقت، ممکن است نتیجه‌ای کاملاً متفاوت داشته باشد.

بعلاوه، با اتخاذ موضع پدرا نه چه از طریق تصمیمات قضایی یا حتی استانداردهای قانونی، دولت هزینه‌ها و مسئولیت‌هایی را به جامعه تحمیل می‌کند که طبیعتاً متوجه خود اوست. باز هم تعصب تمامیت‌خواهی این کار نمایان می‌شود، چراکه برخی تبعات آن بر جامعه تحمیل می‌شود. چنین تبعاتی از ابتدا بر جامعه تحمیل نشده بود. قانونگذاری بخش خصوصی، یعنی درگیر شدن قوه قضائیه در هر نوع تقاضایی به امید کسب حمایت پدرا نه مشتاقانه از دولت _ قاضی سناریویی از ناامنی قانونی ایجاد می‌کند. یک نارضایتی عمومی هم ایجاد

^۱ مطالب توسط مترجم اضافه گردیده است.

می‌کند چراکه تنها یک گروه از چنین تصمیماتی بهره می‌برند. در واقع، ممکن است متوجه شویم که این ژست مفید بودن ظاهراً می‌تواند میزان محبوبیت را بالا ببرد.

اصلی‌ترین هدفی که باید کسب شود متحد شدن با جامعه است. یک دولت پاترنالیسم مثل پدر یک خانواده است که کسی قدرت او را زیر سوال نمی‌برد. پس، استبدادی که دولت بکار می‌گیرد نباید از سوی حکومت زیر سوال برود. بنابراین همانطور که نشان داده شد رفتارهای پدران نشان از بی‌اعتقادی دولت به قدرت و ظرفیت افراد و قدرت آنها در انتخاب دارد و اینکه آنها نمی‌توانند مسئول رفتارهایشان باشند. تحلیل نهایی یک تمامیت‌خواهی ظاهری را آشکار می‌کند. خوش‌بختانه همانطور که در آخرین بخش این مقاله نشان داده شد، در تصمیماتی که به اصول لیبرال‌تر قانون بخش خصوصی مربوط است حرکتی ضد پاترنالیسمی دیده می‌شود که در آن طرفین قراردادها خطرات ناشی از سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی‌شان را می‌پذیرند.

سخن مترجم، بحث و مقایسه، تقدیر و تشکر

اراده و مشیت الهی آرمانی را برای بشر به همراه آورده که پس از رهایی از قید اسارت و بی‌بندوباری این فرمان‌های تقدیر با خواست و اراده انسان در هم آمیزد تا انسان بتواند هرطور دلخواه اوست، متقیانه و مدنی بالطبع در پرتو توجه و اهتمام دولت‌های سنتی و مدرن به عدالتی که غایت و قوام جامعه بدان بستگی دارد ۶۱ زندگی کند. مصلحت‌سنجی‌های پدران پدیده‌ای است که در آن حکومت - دولت، نقش محافظ و مهیا کننده شهروندان و اعضای جامعه را در سایه مراقبت و تصمیمات پدران خویش داشته مبین این اندیشه است که دولت‌های مدرن برخلاف مدل‌های سنتی اقتدارگرا و با وجود سیستم‌هایی قانونی و قضایی، در برابر شهروندان همچون پدر در برابر فرزندان است که در برخی حوزه‌های حقوق خصوصی نظیر اغلب قراردادهای خصوصی - شان، نفع و صلاح ایشان را بهتر از خودشان می‌داند و به نوعی مدیریت و ابتکار عمل زمینه‌های معین زندگی حقوق خصوصی‌شان را در دست می‌گیرد که نهایتاً ممکن است به کاهش اصول محترمی همچون خودمختاری و حاکمیت، استقلال و آزادی اراده شهروندان بیانجامد.

دامنه این حمایت‌ها و مراقبه‌های پدران محدود به مباحث حقوق خصوصی نمی‌گردد و در سایر حوزه‌های حقوقی همچون حقوق سیاسی و کیفری سابقاً مناقشه برانگیز و مورد بحث و گفتگو نیز بوده است و این اعمال ظاهراً نوع دوستانه را می‌توان در حیطة حقوق خصوصی از زوایای مختلف بررسی کرد. در حال حاضر تحقیقات ما در حوزه قراردادهای حقوق خصوصی و تأثیر اینگونه مراقبه‌های پدران دولتی‌های مدرن در آنها مشهود بوده که به امید خدا بزودی منتشر خواهد شد. اما در خصوص پدیده پاترنالیسم که ما آن را مصلحت - سنجی‌های پدران نامیدیم باید گفت که باتوجه به تحقیقاتی که در سایر مقالات این‌چنینی و ایضا یک کتاب

جامع تحت عنوان کنار هم قرار گرفتن پاترنالیسم و استقلال اراده در حقوق خصوصی که در دانشگاه پورتلند ایالات متحده آمریکا چاپ شده، یکی از نتایج یافت شده این است که به هر جهت باید باتوجه به نظام‌های حقوقی و البته سیاسی هر کشور نسبت به مسئله پاترنالیسم دولتی (قانونی و قضایی) بحث و تبادل نظر کرد. بعنوان مثال در کشور ایران در حوزه روابط حقوق کارگر و کارفرما و البته قانون کار مصوب ۱۳۶۸ مجمع تشخیص مصلحت نظام رگه‌های حمایتی و مراقبت پدران از قشر کارگر مشاهده می‌شود که نتوانسته ضامن سعادت کارگران شود و به قول مرحوم عراقی صرفاً از استثمار کارگران کاسته شده است و از طرف دیگر در نظام‌های حقوقی کاملاً باتوجه به نبود قانون نوشته مصداق پاترنالیسم قضایی در پرونده‌های حقوقی زیاد یافت می‌شود.

باتوجه به سیر مطالعات تاریخیچه پدیده پاترنالیسم در دولت‌های سنتی و مدرن این نکته را می‌توان مطرح نمود که این مسئله مولود حکومت‌های ایشان نبوده صرف‌نظر از اقتدارگرا و محافظه‌کار بودن ایشان که در عمل لیبرال‌ترین دولت‌های مدرن هم که ظاهراً به آزاداندیشی و خودمختاری شهروندان شهره‌اند نسبت به اعمال تصمیمات و حمایت‌های پدران به بهانه‌هایی چون سعادت، افزایش رفاه و شادی و سلامت (در بحران اخیر کرونا) اقدام نموده‌اند. دست آخر اینکه برای این مقوله می‌توان فرضیه‌های اصلی و فرعی بشمار می‌آید مطرح نمود از جمله آنکه در خود خلاصه ابتدای متن مقاله ترجمه شده موجود است و به نظر ما گستره این مصلحت‌سنجی‌های پدران به خودمختاری افراد و آزادی‌های قراردادی و غیرقراردادی ایشان لطمه می‌زند. بنابراین مصلحت‌سنجی‌های پدران با مبنای حقوق خصوصی که در دولت‌های سنتی بر مبنای نظریه عدالت معاوضی قابل تبیین بوده ناسازگار به نظر می‌رسد. هرچند نمی‌توان جایگاه عدالت توزیعی را نادیده گرفت چون امروزه در دولت‌های مدرن تأثیر مصلحت‌سنجی‌های پدران با مبنای عدالت توزیعی و اصلاحی در حوزه حقوق خصوصی قابل تبیین است. در حقوق قراردادهای امروزه در بحران اخیر کرونا مشاهده شده که دولت‌های مدرن نسبت به حمایت از طرف‌های آسیب‌پذیر قرارداد که اغلب اقشار آسیب‌پذیر نامیده می‌شوند به بهانه حمایت و افزایش منافع و رفاه پدران رفتار نموده است. بعنوان نمونه در ایران و در بحران کرونا دولت اجازه افزایش بیش از ۲۰ درصد قراردادهای اجاره را توسط مالک نداده که بعداً ممکن است در دستگاه قضایی این وضع پدرانوار ادامه یابد.

حمد و سپاس خداوند مهربان را که در سایه الطاف بی‌کران وی توانستم پس از حدود دو سال تحقیق و پژوهش در حوزه میان‌رشته‌ای حقوق خصوصی و سیاسی حول محور موضوع این مقاله با هدایت و راهنمایی استاد عزیزم جناب آقای محمود شهیدی در راه ترویج و ارتقای علم و دانش باز هم مختصری بنگارم. امیدوارم

با ارائه پیشنهادات و راهکارهایی که دادیم در مسیر قانونگذاری و اصلاح و اجرای^۱ برخی مقررات حقوق خصوصی زمینه تعدیل و اجرای مطلوب عدالت اجتماعی را با مقوله مصلحت‌سنجی‌های پدرا نه دولتی فراهم کرد. همچنین از تلاش و زحمات بی‌شائبه سرکار خانم نوشین میرهادی و پریسا رضایی که در امر ترجمه روان متون لاتین ما را یاری نمودند تشکر و قدردانی می‌نمایم. اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ وَالْعَافِيَةَ وَالنَّصْرَ.

فهرست منابع

فارسی:

- ۱- خیرمند، الهه (۱۳۹۳)، «بررسی تعارض پدرسالاری کیفری با اصل آزادی اراده»، **پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد حقوق عمومی**، دانشگاه کاشان.
- ۲- گیلانی گیجه، گلشاد (۱۳۹۵)، «بررسی مبنای فقهی حمایت از طرف ضعیف قرارداد: عدالت معاوضی و تعدیل آن»، **نشریه فقه و حقوق اسلامی**، ش ۶.
- ۳- لطفی، حسن (۱۳۹۷)، «مبنای دخالت دولت در قراردادهای عدالت تصحیحی یا توزیعی؟»، **فصلنامه مطالعات حقوق عمومی**، ش ۳.
- ۴- میرهادی، پیمان (۱۳۹۹)، «تأثیر مصلحت‌سنجی‌های پدرا نه دولتی مدرن در محدودسازی حیطه حقوق خصوصی»، **پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق**.
- ۵- مهدوی زاهد، مهدی (۱۳۹۶)، «واکوی رویکرد دولت جمهوری اسلامی ایران در تنظیم‌گری حقوقی خانواده»، **فصلنامه پژوهش حقوق عمومی**، س ۲۰، ش ۶.

لاتین:

- 6- Ação de Indenização (1999). (Action for damages) n. 1999.001.141054-2 of the 33th Civil Court of Rio de Janeiro.
- 7- Agravo de Instrumento (2013). (Interlocutory Appeal) n. 1.0287.12.002923-9/001, Mars, 14th.
- 8- Bonavides, P (2007). Do Estado liberal ao Estado social. Malheiros (Issue 7), p. 184.
- 9- Borges, L. G. M (2010). A Relação Jurídica de Consumo sob o Prisma do Paternalismo jurídico. Available at: Access: 10 jul 2013, p. 48

^۱ به نظر ما اجرای کامل لایحه استقلال وکلا و استفاده همه شهروندان (ضعیف و قوی) و همراهی وکلای متخصص در انعقاد قراردادها مثل وکیل خانواده می‌تواند در تعادل و برقراری عدالت معاوضی میان طرفین قرارداد به حل مشکلاتی چون نداشتن آگاهی از مقررات و مفاد قراردادها، بحث اهلیت و شرایط اکراه (ماده ۲۰۲ ق م) و اضطرار کمک شایانی نماید.

- 10- Farias; Rosensvald (2012). Curso de direito civil. Contratos. Teoria Geral e Contratos em Espécie. Juspodivm Volume 4 (Issue 2), p. 31
- 11- Garcia, M. A (2005). Justificación El Concepto y la del Paternalism. 2005a. Available at: Access: 07 July, 2013, p. 269.
- 12- Martinelli, J. P. O (2010). Paternalismo Jurídico-Penal. Available at: <http://www.teses.usp.br/teses/disponiveis/2/2136/tde-27012011-113618/pt-br.php>, Access: 01 jul. 2013, p. 263.
- 13- Ogas, Anthony (2011). Juxtaposing Autonomy and Paterernalism in private law, oxford and Portland, Oregon.
- 14- Oliveira, Andrade (1998). Tutela jurisdiccional e estado democrático de direito: por uma compreensão constitucionalmente adequada do mandado de injunção. Del Rey.
- 15- Sampaio, Junior (2007). A Defesa do Consumidor e o Paternalismo Jurídico. Conpedi. Anais do XVI Congresso Nacional do Conpedi Volume 1, p. 4820
- 16- Sampaio, Junior (2009). Da Liberdade ao Controle: os Riscos do Novo Direito Civil Brasileiro. Puc Minas Virtual, p. 18
- 17- Theodoro Jr (2004). Direitos do Consumidor: a Busca de um Ponto de Equilíbrio entre as Garantias do Código de Defesa do Consumidor e os Princípios Gerais do Direito Civil e do Direito Processual Civil. Forense (Issue 4).
- 18- The Civil Court of Rio de Janeiro reversed judgment in June (2007). (Apellate Review n. 0150007-36.1999.8.19.0001 (2007.001.05059). The final decision regarding this matter will be taken by a higher Court.

آسیب‌شناسی سیاست خارجی دولت محمود احمدی‌نژاد از منظر آرمان‌گرایی

علی‌اکبر رضایی^۱

چکیده

یکی از مولفه‌هایی که در بررسی سیاست خارجی دولت‌ها در مواجهه با سایر دولت‌ها و جامعه جهانی مورد توجه است، رویکرد دولت نسبت به نظام حاکم بر جهان است که باتوجه به موافق یا مخالف بودن با نظام حاکم بر جامعه جهانی رویکردها به ساختارشکنانه یا حافظ وضع موجود تقسیم‌بندی می‌شوند. در رویکرد حافظ وضع موجود که بنابر سازگاری دارد بحث رویکرد جایگزین مطرح نمی‌شود اما در رویکرد ساختارشکنانه باتوجه به رویکرد منفی دولت با وضع موجود، ارائه رویکردی جایگزین نیز ضروری می‌نماید. رویکرد دولت احمدی‌نژاد نسبت به نظام حاکم بین‌المللی یک رویکرد ساختارشکنانه بود و آن را ناعادلانه توصیف می‌کرد. در چنین رویکردی علاوه بر تبیین، نگرش دولت باید بررسی شود که آیا در کنار عدم پذیرش سیاست حاکم بر نظام جهانی، دولت احمدی‌نژاد طرح و برنامه‌ای برای رهایی از وضع حاکم بر نظام بین‌الملل ارائه کرده است؟ که در پاسخ بدان می‌توان بیان نمود که رویکرد دولت احمدی‌نژاد نسبت به جامعه جهانی و نظام حاکم بر آن رویکردی ساختارشکنانه نسبت به وضع موجود جهانی است اما در ارائه راهکار جایگزین ناکام ماند.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی، جمهوری اسلامی، احمدی‌نژاد، نظام بین‌الملل، آرمان‌گرایی

^۱ دانشجوی کارشناسی‌ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) Rezaei.yu@gmail.com